نیره ساری
پرونده
خانواده، فضای مجازی و کتابخوانی

غلامرضا امیرخانی، رئیس سازمان اسناد و کتابخانه ملی:

فضای مجازی مطالعه عمیق را به حاشیه برده است

غلامرضا امیرخانی، رئیس سازمان اسناد و کتابخانه ملی، در گفت‌وگو با «جوان» ضمن بررسی وضعیت فرهنگ مطالعه در کشور، بر ضرورت نهادینه‌سازی کتابخوانی از دوران کودکی، تقویت کتابخانه‌های مدارس و استفاده از ظرفیت کتابخانه‌های عمومی تأکید می‌کند.

■■■

وی درباره وضعیت کتابخوانی در کشور می‌گوید: اینکه وضعیت کتاب‌خوانی در کشور ما در شرایط مطلوبی قرار ندارد، به معنای وجود یک سابقه تاریخی منفی یا مسئله‌ای ژنتیکی نیست. اتفاقاً ایرانیان در حوزه کتاب و کتابخوانی سابقه‌ای درخشان دارند. وجود کتابخانه‌های غنی در صدها و حتی هزار سال پیش، در تمدن اسلامی و نقاط مختلف ایران، خود گواه روشنی بر این موضوع است.

امیرخانی ادامه می‌دهد: برای بررسی دلایل وضعیت امروز باید چند نکته را در نظر گرفت. نخست اینکه بخشی از مطالعه در شرایط کنونی در فضای مجازی انجام می‌شود. اگر فردی از طریق کتاب‌های الکترونیکی یا فایل‌های پی‌دی‌اف، با استفاده از تبلت، تلفن همراه یا رایانه، مطالعه عمیق و دقیقی داشته باشد، این فعالیت نیز به‌هرحال نوعی مطالعه محسوب می‌شود و باید در ارزیابی میزان کتابخوانی مورد توجه قرار گیرد. نکته دیگر اینکه کاهش آمار کتابخوانی صرفاً مختص ایران نیست و کشورهای مختلف جهان نیز با این مسئله مواجه هستند. گسترش فضای مجازی و غلبه ابزارهای ارتباطی جدید، در سطح جهانی بر میزان مطالعه کتاب تأثیر گذاشته است.

وی با اشاره به اینکه ترویج مطالعه از مدارس، به‌ویژه مقطع ابتدایی و حتی دوره پیش‌دبستانی باید آغاز شود، می‌افزاید: در گذشته نظام آموزشی ما بیشتر کتاب درسی‌محور بود، به این معنا که یک یا چند کتاب درسی، تنها منابع مورد استفاده دانش‌آموزان محسوب می‌شدند و معلمان نیز عمدتاً به همان منابع اکتفا می‌کردند. به اعتقاد من، این رویکرد یکی از عواملی بود که مانع شکل‌گیری ارتباط گسترده دانش‌آموزان با دنیای کتاب شد. مسئله مهم دیگر، ضعف وجود کتابخانه‌های مناسب و فعال در مدارس است. حتی در مدارسی که فضای کتابخانه در نظر گرفته شده، گاهی کتابدار متخصص و علاقه‌مند حضور ندارد. در مواردی نیز مسئولیت کتابخانه به فردی واگذار می‌شود که ممکن است تخصص یا انگیزه کافی برای این کار نداشته باشد. در حالی که در کشورهای پیشرفته، کتابدار مدرسه جایگاه مشخص و شرایط تخصصی دارد و فرد باید تحصیلات مرتبط با کتابداری و اطلاع‌رسانی و همچنین انگیزه لازم برای فعالیت در این حوزه را داشته باشد.

امیرخانی درباره تغییر الگوهای کتابخوانی میان نسل‌های جدید یادآور می‌شود: به نظرم باید میان استفاده از ابزارهای جدید و نوع مطالعه‌ای که از طریق آنها انجام می‌شود، تفاوت قائل شویم. همان‌طور که اشاره کردم، مطالعه کتاب‌های الکترونیکی و فایل‌های پی‌دی‌اف، در صورتی که با عمق و دقت همراه باشد، همچنان مطالعه محسوب می‌شود. بنابراین، نباید هر نوع مطالعه در فضای مجازی را از دایره کتاب‌خوانی خارج کنیم.

وی بیان می‌کند: با این حال، مسئله اصلی محتوای کوتاه، محدود و گاهی غیرعمیقی است که در فضای مجازی در اختیار کاربران قرار می‌گیرد. بسیاری از اطلاعاتی که افراد در چند ثانیه و با مرور مطالب به دست می‌آورند، لزوماً دقیق و مستند نیستند و گاهی تنها بخشی از واقعیت را منعکس می‌کنند.

رئیس سازمان اسناد و کتابخانه ملی می‌گوید: این مسئله به معضلی جهانی تبدیل شده و گروه‌های سنی مختلف در کشورهای گوناگون با آن مواجه هستند. به همین دلیل، باید تلاش کنیم در کنار استفاده از ظرفیت‌های فضای مجازی، جایگاه مطالعه عمیق و دسترسی به اطلاعات منسجم و معتبر حفظ شود.

امیرخانی معتقد است کتاب، چه در قالب کاغذی و چه در شکل الکترونیکی، همچنان جایگاه ویژه خود را دارد، زیرا می‌تواند مجموعه‌ای منسجم، معتبر و مستند از اطلاعات را در اختیار مخاطب قرار دهد. همچنین فضای مجازی می‌تواند ابزار مناسبی برای دسترسی به اطلاعات باشد.

وی در پاسخ به سؤالی مبنی بر اینکه چگونه می‌توان کتاب را از یک کالای فرهنگی مناسبتی به بخشی از سبک زندگی خانواده‌های ایرانی تبدیل کرد؟ می‌گوید: به نظر من، شکل‌گیری علاقه به کتاب باید از دوران کودکی آغاز شود و در این زمینه خانواده و مدرسه هر دو نقش مهمی دارند. البته همان‌طور که اشاره کردم، یکی از مشکلات اساسی ما این است که بسیاری از کودکان در محیط آموزشی با کتابخانه و فرهنگ استفاده از آن آشنا نمی‌شوند. اگر کودک از دوران ابتدایی و حتی پیش از دبستان به کتابخانه مراجعه کند، با فضای آن آشنا شود، کتاب به امانت بگیرد و از منابع مختلف استفاده کند، به‌تدریج کتابخانه برای او به محیطی آشنا و جذاب تبدیل خواهد شد. در چنین شرایطی، کتاب‌خوانی می‌تواند به بخشی از عادت‌های روزمره او تبدیل شود.



> **باید میان استفاده از ابزارهای جدید و نوع مطالعه‌ای که از طریق آنها انجام می‌شود، تفاوت قائل شویم. مطالعه کتاب‌های الکترونیکی و فایل‌های پی‌دی‌اف، در صورتی که با عمق و دقت همراه باشد مطالعه محسوب می‌شود. بنابر این، نباید هر نوع مطالعه در فضای مجازی را از دایره کتابخوانی خارج کنیم**



رئیس سازمان اسناد و کتابخانه ملی خاطر نشان می‌کند: نباید تمام مسئولیت را متوجه خانواده‌ها بدانیم. نظام آموزشی باید زمینه‌ای فراهم کند که کودک حتی در شرایطی که والدین او چندان اهل مطالعه نیستند، فرصت آشنایی با کتاب و کتابخانه را داشته باشد. البته خانواده نیز می‌تواند با فراهم کردن کتاب و ایجاد فضای مناسب برای مطالعه، این علاقه را تقویت کند.

وی در مورد نقش کتابخانه‌های عمومی در شرایط گرانی کاغذ و کتاب می‌گوید: کتابخانه‌ها باید تلاش کنند کتاب‌های مناسب و به‌روز را در اختیار مخاطبان قرار دهند تا افراد بتوانند بدون نیاز به خرید کتاب، از منابع مطالعاتی استفاده کنند. البته کتابخانه ملی نیز می‌تواند در فضای مجازی فعالیت‌هایی مانند معرفی آثار و منابع ارزشمند را انجام دهد، اما وظیفه اصلی کتابخانه ملی، امانت دادن کتاب به عموم مردم نیست. این موضوع در کتابخانه‌های ملی کشورهای دیگر نیز به همین شکل است؛ چراکه کتابخانه‌های ملی معمولاً در پایتخت قرار دارند و طبیعتاً نمی‌توانند به‌تنهایی پاسخگوی نیاز مطالعاتی همه مردم در شهرها و مناطق مختلف باشند.

وی ادامه می‌دهد: در تمام دنیا، کتابخانه‌های عمومی چنین مسئولیتی را بر عهده دارند و خوشبختانه در کشور ما نیز شبکه گسترده‌ای از کتابخانه‌های عمومی در نقاط مختلف وجود دارد. البته اینکه منابع این کتابخانه‌ها تا چه اندازه غنی و به‌روز هستند، موضوع دیگری است و ممکن است برخی مخاطبان کتاب مورد نظر خود را در کتابخانه‌های عمومی پیدا نکنند، اما اصل وجود این شبکه ظرفیت ارزشمندی برای دسترسی عمومی به منابع مطالعاتی است.

امیرخانی اضافه می‌کند: در کنار کتابخانه‌های عمومی، کتابخانه‌های کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان و کتابخانه‌های مساجد نیز ظرفیت‌های مهمی محسوب می‌شوند. کتابخانه‌های مساجد به‌ویژه در سال‌های پیش از انقلاب و سال‌های نخست پس از انقلاب نقش فعال‌تری داشتند. این کتابخانه‌ها برای بسیاری از خانواده‌های مذهبی، محیطی قابل اعتماد و مناسب برای حضور فرزندانشان بودند و در عمل به کانون‌های فرهنگی محلی تبدیل شده بودند.

رئیس سازمان اسناد و کتابخانه ملی بیان می‌کند: مجموعه این ظرفیت‌ها می‌تواند به تأمین نیازهای مطالعاتی جامعه کمک کند. با این حال، بار دیگر تأکید می‌کنم که مسئله اصلی فقط فراهم کردن منابع نیست؛ بلکه باید فرهنگ مراجعه به کتابخانه، حضور در فضای کتابخانه، لذت بردن از محیط آن و امانت گرفتن کتاب از دوران کودکی در جامعه نهادینه شود.

وی در مورد تغییر رفتار مطالعاتی مردم در مناسبت‌های مهمی چون هفته کتاب می‌گوید: برگزاری هفته کتاب، روز کتاب و کتابخوانی، نمایشگاه‌ها و برنامه‌های مرتبط با این مناسبت‌ها، اقدامات بسیار خوبی هستند و قطعاً تأثیر مثبت دارند. البته برخی معتقدند که برنامه‌های ترویج کتابخوانی باید در تمام طول سال برگزار شوند. این دیدگاه نیز درست است، اما نباید تصور کنیم که برگزاری هفته کتاب به‌تنهایی فاقد اثرگذاری است. در سال‌های اخیر شاهد برنامه‌هایی مانند کتاب‌گردی بوده‌ایم که طی آن برخی چهره‌های فرهنگی به کتاب‌فروشی‌های محله مراجعه می‌کنند. این اقدامات در جای خود بسیار مفید هستند و می‌توانند به رونق کتاب‌فروشی‌ها و افزایش توجه عمومی به کتاب کمک کنند. البته در کنار این برنامه‌ها، به سیاستگذاری و برنامه‌ریزی‌های کلان‌تری نیز نیاز داریم تا اقدامات مؤثرتری برای ترویج مطالعه انجام شود. با وجود این، همچنان در ایران و سایر کشورهای جهان کتاب‌های پرفروشی وجود دارند که در مدت کوتاهی به چاپ‌های متعدد می‌رسند. این موضوع نشان می‌دهد، با وجود گرانی کتاب، مشکلات اقتصادی و جذابیت‌های فضای مجازی، همچنان بخش قابل توجهی از جامعه به کتاب علاقه‌مند است و از آثار ارزشمند استقبال می‌کند.

به اعتقاد وی کتاب علاوه بر ارزش علمی و فرهنگی، جایگاه معنوی و اجتماعی خاصی نیز دارد و هنوز هم می‌توان کتاب را به‌عنوان هدیه‌ای ارزشمند به افرادی با هر جایگاه و موقعیت اجتماعی تقدیم کرد.

امیرخانی بیان می‌کند: به اعتقاد من، کتاب صرفاً به معنای نسخه کاغذی نیست؛ بلکه هر مجموعه‌ای که اطلاعاتی منسجم، معتبر و مستند در اختیار مخاطب قرار دهد، می‌تواند در این تعریف قرار بگیرد. در نهایت، با وجود همه مشکلات و تغییراتی که در شیوه دریافت اطلاعات به وجود آمده، کتاب هنوز جایگاه خود را از دست نداده است. هفته کتاب و برنامه‌های مرتبط با آن نیز فرصت مناسبی هستند تا مسئولان و متولیان فرهنگی از این ظرفیت برای ترویج بیشتر فرهنگ مطالعه استفاده کنند.

پرونده ویژه جوان در آستانه ۲۴ آبان روز کتاب و کتابخوانی

گوشی‌ها در دست و کتاب‌ها در گوشه!

■ مریم ترابی

این روزها اگر از هر خانه‌ای سراغ یار مهربان را بگیری، احتمالاً با سکوت سرد قفسه‌ها روبه‌رو می‌شوی. دلایل کاهش سرانه مطالعه متعدد است؛ از گرانی کاغذ و کتاب گرفته تا تغییرات بنیادین در سبک زندگی مدرن و مشغله‌های فرساینده، اما در این میان، سهم فضای مجازی و رسانه‌های اجتماعی جدی‌تر از بقیه عوامل بوده است.

بسیاری از افراد در این زندگی شتاب‌زده، «اسکرول» و پیمایش سریع، ثانیه‌ای و سطحی صفحات گوشی را جایگزین طمأنینه، تعمق و لذت اصیل کتابخوانی کرده‌اند. فضای مجازی با جذابیت‌های عمدتاً کاذب، رنگارنگ و آنی خود، حوصله و تمرکز ذهنی ما را ربوده و کتاب‌ها را در خانه‌های «مجازی‌زده» غریب و منزوی کرده است. طرفداران تکنولوژی شاید بگویند: «کتاب‌ها به فضای دیجیتال کوچ کرده‌اند و روی تبلت و گوشی خوانده می‌شوند» اما واقعیت این است که هرچقدر هم فناوری پیشرفت کند، کتاب‌های اینترنتی یا فایل‌های پی‌دی‌اف نمی‌توانند جایگزین اصالت لذت و عمق کتابخوانی سنتی شوند. مطالعه در گوشی با هجوم لحظه‌ای پیام‌ها، اعلان‌ها و وسوسه رفتن به ویدئوی بعدی همراه است. این نوع خواندن «سطحی‌نگری دیجیتال» به همراه می‌آورد، در حالی که کتاب کاغذی، خلوتی امن برای تمرکز، همذات‌پنداری و رشد تفکر انتقادی فراهم می‌کند. در چنین وضعیتی کتاب‌های کاغذی شاید از خانه‌ها کوچ نکرده باشند، اما از دایره «عادت‌های روزمره» بیرون رانده شده‌اند. در چنین وضعیتی، چه باید کرد؟ پاسخ به این پرسش در آستانه روز کتاب و کتابخوانی، حیاتی‌تر از همیشه است. برای بازگرداندن کتاب به سفره فرهنگی خانواده‌ها، به یک انقلاب نرم و هوشمندانه نیاز داریم. کودکان و نوجوانان با پند و اندرز کتابخوان نمی‌شوند. آنها به بازآفرینی رفتار ما نگاه می‌کنند. اگر پدر و مادر ساعت‌های متمادی در حال چرخش در شبکه‌های اجتماعی باشند، نمی‌توانند انتظار داشته باشند فرزندشان شیفته کتاب شود. کتابخوانی باید به عنوان یک تصویر دلنشین و خانوادگی دیده شود. تعیین ساعات مشخصی از روز یا شب (مثلاً نیم ساعت پیش از خواب) به عنوان «زمان بدون گوشی و زمان مطالعه» می‌تواند تمرکز از دست رفته را به مغز بازگرداند.

برای نسل نوجوان نیز که درگیر هویت‌یابی در فضای مجازی است، نباید نسخه‌های کهنه و ملال‌آور پیچید. انتخاب کتاب‌هایی با زبان امروزی، رمان‌های نوجوانان و کتاب‌های تصویری می‌تواند پلی میان جهان دیجیتال و دنیای مکتوب باشد.

در نهایت باید گفت فضای مجازی ابزاری برای ارتباط است، اما نباید به قیمت قحطی اندیشه و سقوط عمق مطالعه تمام شود. کتاب، گوهری است که هیچ نمایشگری نمی‌تواند درخشش آن را تقلید کند. بیایید در آستانه روز کتاب، با یک تصمیم کوچک، اما مصمم، تلفن‌های همراه را لحظه‌ای زمین بگذاریم، غبار تنهایی را از روی جلد کتاب‌ها بزداییم و بار دیگر، خانه‌هایمان را با عطر دلنشین واژه‌ها روشن کنیم؛ فردا برای آشتی با کتاب، شاید کمی دیر باشد.



آزاده نظربلند، دبیر کل نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور:

خانواده‌محوری رویکرد جدید کتابخانه‌های عمومی است

آزاده نظربلند، دکترای کتابداری و اطلاع رسانی و دبیر کل نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور در گفت‌وگو با «جوان» می‌گوید: هدف ما این است که کتابخانه عمومی به یکی از انتخاب‌های اصلی مردم برای گذران اوقات فراغت، یادگیری، تعامل و مشارکت اجتماعی تبدیل شود؛ جایی که اعضای یک خانواده بتوانند در کنار مطالعه، تجربه‌های فرهنگی و آموزشی مشترکی داشته باشند. متن گفت‌وگو با وی به شرح زیر است.

■■■

با وجود گسترش ابزارهای دیجیتال، شبکه‌های اجتماعی و سرگرمی‌های مجازی، همچنان از پایین بودن میزان مطالعه در جامعه گلایه می‌شود. ارزیابی شما از وضعیت کتابخوانی در کشور چیست و نهاد کتابخانه‌های عمومی برای تبدیل کتابخوانی به بخشی از سبک زندگی خانواده‌های ایرانی چه برنامه‌ای دارد؟

به نظرم برای ارزیابی وضعیت کتابخوانی در کشور، باید به تغییرات سبک زندگی و تحولات ارتباطی جامعه هم توجه کنیم. امروز با گسترش ابزارهای دیجیتال و شبکه‌های اجتماعی، بخش قابل توجهی از زمان و توجه افراد به فضای مجازی اختصاص پیدا کرده است. طبیعتاً این شرایط بر الگوی مطالعه مردم نیز تأثیر گذاشته است؛ اما معتقدم مسئله را نباید صرفاً به رقابت کتاب با ابزارهای دیجیتال تقلیل داد. مسئله اصلی این است که چگونه می‌توانیم کتاب و مطالعه را دوباره به بخشی از زندگی روزمره خانواده‌ها تبدیل کنیم. برای رسیدن به این هدف، پیش از هر چیز باید نیازها، علایق و اقتضائات مخاطب امروز را بشناسیم. نمی‌توان انتظار داشت نسل جدید با همان الگوها و شیوه‌هایی به کتابخانه مراجعه کند که در گذشته مرسوم بوده است. باید ببینیم چه چیزی برای کودک، نوجوان، جوان و خانواده امروز جذابیت دارد و چگونه می‌توانیم کتابخانه را به فضایی تبدیل کنیم که حضور در آن برای مخاطب تجربه‌ای خوشایند و ارزشمند باشد. در همین راستا، نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور چند رویکرد اساسی را دنبال می‌کند. نخست، توسعه دسترسی عادلانه به کتاب و خدمات کتابخانه‌ای است. ما معتقدیم بهره‌مندی از خدمات کتابخانه عمومی نباید به محل زندگی افراد وابسته باشد. بر همین اساس، توسعه نقاط خدمت، گسترش کتابخانه‌های سیار و ارائه خدمات در مناطق روستایی، کم‌برخوردار و فاقد کتابخانه را با جدیت دنبال می‌کنیم.

رویکرد دوم، بازآفرینی و بازطراحی کتابخانه‌های عمومی است. کتابخانه امروز نباید صرفاً مکانی برای نگهداری و امانت کتاب باشد؛ بلکه باید به یک مرکز فعال فرهنگی و اجتماعی تبدیل شود؛ فضایی پویا که کودکان، نوجوانان و خانواده‌ها در آن احساس تعلق کنند. موضوع مهم دیگر، به‌روز بودن منابع کتابخانه‌ای و توجه به سلیقه و تقاضای مخاطبان است. کتابخانه زمانی می‌تواند مخاطب خود را حفظ کند که کتاب‌های مورد علاقه و نیاز او را در اختیار داشته باشد. به همین دلیل، در شیوه تأمین منابع نیز تغییراتی ایجاد کرده‌ایم و تلاش شده است کتابداران و مراجعه‌کنندگان در انتخاب کتاب‌های مورد نیاز هر کتابخانه نقش مؤثرتری داشته باشند. برای نمونه، در طرح‌های تأمین منابع، حوزه کودک و نوجوان و ادبیات داستانی مورد توجه ویژه قرار گرفته است. در کنار این اقدامات، تلاش کرده‌ایم موانع دسترسی مردم به کتابخانه را نیز کاهش دهیم. اجرای طرح عضویت رایگان سراسری در کتابخانه‌های عمومی، یکی از اقدامات مهم در همین زمینه است تا همه مردم، فارغ از محل سکونت و شرایط اقتصادی، فرصت استفاده از ظرفیت کتابخانه‌های عمومی را داشته باشند. البته در کنار خدمات حضوری، از ظرفیت فناوری‌های جدید نیز غافل نیستیم.

امروز بسیاری از خانواده‌ها به دلیل مشکلات اقتصادی، کتاب را از سبد هزینه‌های فرهنگی خود حذف کرده‌اند. کتابخانه‌های عمومی تا چه اندازه می‌توانند این خلأ را جبران کنند و دسترسی رایگان و عادلانه به منابع مطالعاتی را برای خانواده‌ها فراهم آورند؟

یکی از اقدامات مهم نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور، اجرای طرح عضویت سراسری رایگان در کتابخانه‌های عمومی است. بر اساس این طرح، همه شهروندان ایرانی می‌توانند بدون پرداخت حق عضویت، از خدمات پایه کتابخانه‌های عمومی در سراسر کشور استفاده کنند و در هر نوبت یک جلد کتاب به امانت بگیرند. نکته مهم این است که این عضویت به یک کتابخانه مشخص محدود نیست؛ یعنی فرد می‌تواند از کتابخانه‌های عمومی در نقاط مختلف کشور کتاب امانت بگیرد و پس از بازگرداندن آن، کتاب دیگری دریافت کند. به این ترتیب، خانواده‌ها بدون نیاز به خرید کتاب، امکان دسترسی مستمر به منابع مطالعاتی متنوع را خواهند داشت. در کنار این عضویت پایه، برای افرادی که تمایل به استفاده از خدمات گسترده‌تر کتابخانه‌ای دارند، عضویت سالانه پیش‌بینی شده است که امکانات بیشتری از جمله امانت تعداد بیشتری کتاب، استفاده از سالن‌های مطالعه و برخی خدمات تخصصی را در اختیار آنها قرار می‌دهد. در این زمینه نیز حمایت از اقشار کم‌درآمد مورد توجه قرار گرفته و عضویت سالانه برای سه دهک نخست درآمدی رایگان است. از سوی دیگر، تلاش می‌کنیم منابع کتابخانه‌ها متناسب با نیاز و سلیقه گروه‌های مختلف سنی و اجتماعی به‌روز شود تا خانواده‌ها بتوانند برای کودکان، نوجوانان و سایر اعضای خود کتاب‌های مورد علاقه‌شان را در کتابخانه پیدا کنند.





> **یکی از اقدامات مهم نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور، اجرای طرح عضویت سراسری رایگان در کتابخانه‌های عمومی است. این عضویت به یک کتابخانه مشخص محدود نیست؛ یعنی فرد می‌تواند از کتابخانه‌های عمومی در نقاط مختلف کشور کتاب امانت بگیرد و پس از بازگرداندن آن، کتاب دیگری دریافت کند**

یکی از چالش‌های جدی نسل جدید، جذابیت بالای فضای مجازی و کاهش حوصله برای مطالعه متون طولانی است. نهاد کتابخانه‌های عمومی چه برنامه‌ای برای جذب کودکان و نوجوانان و ایجاد پیوند میان نسل جدید و کتاب دارد؟ آیا کتابخانه‌ها در حال تغییر متناسب با نیازهای نسل دیجیتال هستند؟

امروز نمی‌توان انتظار داشت نسل جدید با همان الگوهای گذشته ارتباط پایداری با کتاب و کتابخانه برقرار کند. اعتقاد ما این است که به‌جای تقابل با دنیای دیجیتال، باید بتوانیم از ظرفیت‌های آن برای نزدیک کردن نسل جدید به کتاب و مطالعه استفاده کنیم. یکی از سیاست‌های جدی ما در نهاد، تمرکز بر کودکان و نوجوانان و بازتعریف خدمات کتابخانه‌ای متناسب با نیازهای این گروه است. در این مسیر، تنها به دنبال آن نیستیم که کتابخانه‌ای با فضای مناسب کودک و نوجوان داشته باشیم، بلکه می‌خواهیم کتابخانه به محیطی تبدیل شود که نوجوان در آن احساس تعلق کند، فرصت بروز خلاقیت داشته باشد، با همسالان خود تعامل کند و بخشی از فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی را خودش شکل دهد. برای تحقق این هدف، برنامه‌هایی را در حوزه توانمندسازی کتابداران آغاز کرده‌ایم. از جمله برگزاری بوت‌کمپ طراحی خدمت برای نوجوانان که با مشارکت کتابداران برگزار شد. در این برنامه‌ها تلاش می‌کنیم کتابداران از نگاه و نیاز واقعی نوجوانان شناخت بیشتری پیدا کنند و بتوانند خدماتی طراحی کنند که برای این گروه جذاب و اثرگذار باشد. به اعتقاد ما، کتابدار امروز می‌تواند مربی، تسهیل‌گر و همراه فرهنگی نوجوانان باشد. موضوع دیگر، توجه به منابع و محتوای مورد علاقه این گروه سنی است. اگر می‌خواهیم نوجوان به کتابخانه مراجعه کند، باید کتاب‌هایی در اختیارش قرار دهیم که با دغدغه‌ها، علایق و دنیای ذهنی او ارتباط برقرار کند. به همین دلیل، در سیاست‌های تأمین منابع نهاد، توجه به حوزه کودک و نوجوان و ادبیات داستانی جایگاه ویژه‌ای پیدا کرده است. از سوی دیگر، تغییر در فضای فیزیکی کتابخانه‌ها نیز ضرورت دارد. کتابخانه‌های امروز باید از شکل سنتی خود فاصله بگیرند و به محیط‌هایی پویا برای یادگیری، خلاقیت، تجربه و تعامل اجتماعی تبدیل شوند. ما در بازطراحی کتابخانه‌ها تلاش می‌کنیم فضاهایی متناسب با نیاز ویژه کودکان و نوجوانان ایجاد کنیم؛ فضاهایی که امکان حضور گروهی، فعالیت‌های فرهنگی و یادگیری مهارت‌های مختلف را نیز فراهم کنند. در کنار این موارد، تحول دیجیتال نیز از رویکردهای جدی نهاد است. ما باید بتوانیم خدمات کتابخانه‌ای را با ابزارها و شیوه‌های ارتباطی نسل جدید پیوند بزنیم و از ظرفیت فناوری برای معرفی کتاب، دسترسی به منابع و توسعه تجربه‌های جدید مطالعه استفاده کنیم.

کتابخانه‌ها نباید صرفاً محلی برای امانت گرفتن کتاب باشند، بلکه می‌توانند به پایگاه فرهنگی و اجتماعی محلات تبدیل شوند. برای تحقق این نقش و تبدیل کتابخانه‌ها به یکی از کانون‌های اصلی فعالیت خانواده‌ها، چه برنامه‌هایی در دستور کار دارید؟

یکی از رویکردهای اصلی ما بازآفرینی نقش کتابخانه‌های عمومی است. در الگوی جدیدی که دنبال می‌کنیم، کتابخانه باید علاوه بر مأموریت اصلی خود در حوزه کتاب و مطالعه، محلی برای فعالیت‌های فرهنگی، آموزشی و اجتماعی، تعاملات انسانی، یادگیری مستمر و مشارکت مردم باشد. برای تحقق این هدف، چند اقدام را به‌صورت هم‌زمان دنبال می‌کنیم. نخست، بازطراحی فضاهای کتابخانه‌ای است. معتقدیم همه کتابخانه‌ها نباید با یک الگوی ثابت اداره شوند؛ بلکه باید متناسب با ویژگی‌های جمعیتی، نیازها و اقتضائات هر منطقه طراحی شوند. نکته بعدی، مشارکت دادن خود مردم در فعالیت‌های کتابخانه است. ما باید نیازهای جامعه محلی را بشناسیم و برنامه‌های فرهنگی و آموزشی را متناسب با همان نیازها طراحی کنیم. کتابخانه زمانی به یک پایگاه اجتماعی تبدیل می‌شود که مردم آن را متعلق به خودشان بدانند و در برنامه‌ها و فعالیت‌هایش مشارکت داشته باشند. نمونه این رویکرد را در کتابخانه‌های سیار نیز دنبال می‌کنیم. این کتابخانه‌ها علاوه بر امانت کتاب، برنامه‌هایی مانند قصه‌خوانی، کارگاه‌های آموزشی و فعالیت‌های مهارت‌آموزی را به‌ویژه برای کودکان و نوجوانان اجرا می‌کنند. در واقع، خدمات کتابخانه‌ای را به فعالیت‌های متنوع فرهنگی و اجتماعی پیوند زده‌ایم. ما معتقدیم این کتابخانه‌ها باید پیشانی پویای کتابخانه‌های عمومی کشور باشند و در کنار مأموریت اصلی خود، نقش مؤثری در فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی مناطق تحت پوشش ایفا کنند. در الگوی مورد نظر ما، کتابخانه سیار می‌تواند مجموعه‌ای از خدمات کتابخانه‌ای، فرهنگی و آموزشی را ارائه دهد؛ از قصه‌گویی و بلندخوانی برای کودکان گرفته تا نشست‌های کتابخوانی، برنامه‌های ادبی، کارگاه‌های آموزشی و فعالیت‌های فرهنگی متناسب با نیاز خانواده‌ها. در واقع، کتابخانه سیار باید بتواند با جامعه محلی ارتباط مستمر برقرار کند و متناسب با نیاز هر منطقه برنامه‌ریزی داشته باشد. همچنین در طراحی خدمات کتابخانه‌های جدید، موضوع خانواده‌محوری را مورد توجه قرار داده‌ایم. برای نمونه، در کتابخانه مرکزی اراک، حضور خانوادگی و ارائه خدمات متناسب با اعضای خانواده از جمله رویکردهایی است که در تعریف خدمات این مجموعه در نظر گرفته شده است. در نهایت، هدف ما این است که کتابخانه عمومی به یکی از انتخاب‌های اصلی مردم برای گذران اوقات فراغت، یادگیری، تعامل و مشارکت اجتماعی تبدیل شود؛ جایی که اعضای یک خانواده بتوانند در کنار مطالعه، تجربه‌های فرهنگی و آموزشی مشترکی داشته باشند.

محبوبه قربانی
پرونده
خانواده، فضای مجازی و کتابخوانی

دکتر امین حشمتی، روانشناس و نویسنده حوزه کودک و نوجوان:

لذت مطالعه را برای نوجوانان فدای سختگیری ادبی و محتوایی نکنیم

نوجوانی دوره‌ای است که سلیقه و استقلال فردی شکل جدی‌تری پیدا می‌کند و این حتی در انتخاب کتاب هم خودش را نشان می‌دهد. او ممکن است سراغ رمان‌ها و داستان‌هایی برود که از نگاه والدین یا معلمان چندان ارزشمند نباشند، اما همین انتخاب‌ها می‌توانند شروعی برای علاقه‌مندی او به مطالعه باشند. دکتر امین حشمتی، روانشناس و نویسنده کودک و نوجوان، معتقد است: «نوجوان باید فرصت انتخاب داشته باشد. هدف ما این نیست که به جای او فکر کنیم، بلکه باید کمک کنیم خودش بهتر انتخاب کند.» در این مصاحبه بخوانید چگونه می‌توان میان علاقه نوجوان و معیارهای یک کتاب خوب برای او تعادل برقرار کرد.

■■■

گاهی نوجوانان به کتاب‌هایی علاقه دارند که والدین و معلمان آنها را سطحی یا کم‌ارزش می‌دانند. آیا باید نگران این انتخاب‌ها باشیم؟

در دوره نوجوانی، استقلال و حق انتخاب اهمیت زیادی دارد. نوجوان می‌خواهد خودش تصمیم بگیرد و سلیقه داشته باشد؛ بنابراین نباید انتخاب کتابی را که از نظر بزرگسالان سطحی است، بلافاصله نادرست بدانیم. ممکن است همین کتاب‌ها نقطه شروع علاقه نوجوان به مطالعه و زمینه ورود او به دنیای آثار عمیق‌تر باشند. انتخاب کردن نیز مهارتی رشدی است و نوجوان برای رسیدن به استقلال فکری باید فرصت تجربه داشته باشد. البته والدین باید نسبت به محتوای آسیب‌زا یا نامتناسب با سن نوجوان حساس باشند، اما این حساسیت نباید به کنترل افراطی تبدیل شود. بهتر است به جای بی‌ارزش دانستن انتخاب او، درباره کتاب گفت‌وگو کنیم و آثار دیگری را هم معرفی کنیم. هدف، تربیت فردی اهل مطالعه و دارای قدرت تشخیص است، نه تحمیل سلیقه بزرگسالان.

آیا هر کتابی که نوجوان را به مطالعه علاقه‌مند کند، انتخاب مناسبی است؟ مرز میان یک اثر سرگرم‌کننده و ادبیات کم‌مایه کجاست؟

هر کتابی که نوجوان را به مطالعه علاقه‌مند کند، می‌تواند نقطه شروع مناسبی باشد. مطالعه علاوه بر انتقال اطلاعات، به پرورش تفکر، تخیل، خلاقیت و قدرت تحلیل کمک می‌کند. من سرگرم‌کننده بودن را نقطه ضعف یک اثر نمی‌دانم. یک رمان ماجراجویانه هم می‌تواند تخیل نوجوان را فعال کند و او را با تجربه‌های انسانی متفاوت آشنا سازد، اما ادبیات کم‌مایه آثاری است که نه افق تازه‌ای پیش روی نوجوان باز می‌کنند و نه قدرت تفکر و تخیل او را به چالش می‌کشند و صرفاً کلیشه‌ها را تکرار می‌کنند. در نهایت، نباید لذت خواندن را فدای سخت‌گیری ادبی و محتوایی کنیم. نوجوان ابتدا باید از مطالعه لذت ببرد و سپس با معرفی آثار متنوع‌تر، سلیقه و قدرت تشخیص او را گسترش دهیم.

چرا بعضی رمان‌های عامه‌پسند و پرفروش، نوجوانان را بیشتر از آثار ادبی جدی جذب می‌کنند؟ آیا نویسندگان آثار فاخر، گاهی از سلیقه و زبان مخاطب نوجوان فاصله گرفته‌اند؟

رمان‌های عامه‌پسند معمولاً به دلیل روایت روان، شخصیت‌های جذاب و موضوعات نزدیک به دغدغه‌های نوجوان، ارتباط سریع‌تری با او برقرار می‌کنند. در مقابل، بعضی آثار ادبی جدی به دلیل زبان پیچیده و روایت سنگین، برای نوجوانی که تجربه مطالعاتی گسترده‌ای ندارد، جذابیت کمتری دارند. این به معنای ناتوانی نوجوان در درک ادبیات جدی نیست، بلکه باید میان پیچیدگی اثر و تجربه ذهنی مخاطب تناسب وجود داشته باشد. به نظرم برخی نویسندگان نیز از زبان و سلیقه نوجوان فاصله گرفته‌اند. نویسنده موفق باید نوجوان را مخاطبی مستقل و صاحب‌فکر بداند؛ نه با ساده‌سازی بیش از اندازه او را در سطح کودک نگه دارد و نه با پیچیده‌نویسی ارتباطش را قطع کند. پرسش اصلی این است که آیا توانسته‌ایم آثاری با عمق و کیفیت ادبی تولید کنیم که با زبان و دغدغه‌های واقعی نوجوان امروز ارتباط برقرار کنند؟



> **بعضی آثار ادبی جدی به دلیل زبان پیچیده و روایت سنگین، برای نوجوانی که تجربه مطالعاتی گسترده‌ای ندارد، جذابیت کمتری دارند. این به معنای ناتوانی نوجوان در درک ادبیات جدی نیست، بلکه باید میان پیچیدگی اثر و تجربه ذهنی مخاطب تناسب وجود داشته باشد**

والدین هنگام خرید کتاب برای فرزندشان به چه نکاتی توجه کنند؟ از کجا بفهمند محتوای کتاب با سن، نیازها و دنیای فکری نوجوان تناسب دارد؟

پیش از انتخاب کتاب برای نوجوان، والدین باید به معیارهای خودشان در خرید کتاب توجه کنند. کتابخوانی باید به عادتی خانوادگی تبدیل شود. نکته مهم این است که به نوجوان فرصت انتخاب بدهیم. او باید بتواند کتاب‌های مختلف را بررسی کند و خودش تصمیم بگیرد. والدین نیز می‌توانند بدون تحمیل سلیقه شخصی او را همراهی کنند. توجه به مشخصات کتاب، معرفی ناشر و راهنمای سنی می‌تواند در تشخیص تناسب محتوا کمک‌کننده باشد. البته نوجوانان از نظر علایق و میزان پختگی فکری با یکدیگر تفاوت دارند. نکته دیگر، کتابخوان بودن والدین است. نمی‌توانیم از نوجوان انتظار مطالعه داشته باشیم، اما خودمان ارتباطی با کتاب نداشته باشیم. بهتر است خرید کتاب را به تجربه‌ای مشترک تبدیل کنیم و به جای تعیین انتخاب‌های نوجوان، قدرت تشخیص او را پرورش دهیم.

چرا گاهی کتابی که پدر و مادر یا معلم آن را بسیار ارزشمند می‌دانند، برای نوجوان جذاب نیست؟ آیا اصرار به خواندن چنین کتاب‌هایی ممکن است نتیجه معکوس داشته باشد؟

علایق، سلیقه‌ها و جهان‌بینی افراد متفاوت است. ممکن است کتابی از نظر بزرگسالان بسیار ارزشمند باشد، اما برای نوجوان جذابیتی نداشته باشد. این تفاوت لزوماً به معنای ضعف سلیقه یا ناتوانی نوجوان در درک محتوای عمیق نیست. اصرار به خواندن کتاب‌های تحمیلی می‌تواند انگیزه درونی نوجوان را از بین ببرد و کتابخوانی را به اجبار تبدیل کند. نوجوان در این دوره به استقلال و احساس اختیار نیاز دارد. بهتر است به علایق او احترام بگذاریم، درباره کتاب‌های مورد علاقه‌اش گفت‌وگو و آثار دیگری را نیز معرفی کنیم، اما تصمیم نهایی را به خودش واگذار کنیم. هدف، تبدیل نوجوان به فردی علاقه‌مند به مطالعه است، نه صرفاً خواندن چند عنوان کتاب.



نوجوان امروز با حجم زیادی از اطلاعات، تصاویر و روایت‌ها در شبکه‌های اجتماعی روبه‌روست. ادبیات داستانی چگونه می‌تواند به او کمک کند درباره آنچه می‌بیند و می‌شنود، عمیق‌تر فکر کند؟

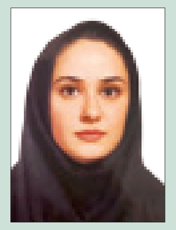
فضای مجازی به دلیل جذابیت‌های بصری و تنوع محتوا، بخش زیادی از زمان و توجه نوجوان را به خود اختصاص داده است، اما به جای قرار دادن فضای مجازی در مقابل کتاب، می‌توان از ظرفیت شبکه‌های اجتماعی برای معرفی داستان و ترویج کتابخوانی استفاده کرد. ادبیات داستانی به نوجوان فرصت می‌دهد درباره رفتار شخصیت‌ها، انگیزه‌ها و پیامد تصمیم‌هایشان فکر کند و قدرت تحلیل، تخیل، همدلی و تفکر انتقادی خود را پرورش دهد. داستان او را به مکث کردن و دیدن یک موقعیت از زاویه‌های مختلف دعوت می‌کند. این تجربه کمک می‌کند در مواجهه با محتوای فضای مجازی نیز پرسشگرتر باشد و هر تصویر یا روایتی را بدون بررسی نپذیرد. بنابراین، بهتر است جذابیت رسانه‌های جدید را با ظرفیت‌های تربیتی و شناختی ادبیات داستانی پیوند بدهیم.

آیا نوجوان باید در انتخاب کتاب کاملاً آزاد باشد یا والدین و مربیان هم باید در این انتخاب نقش هدایتگر داشته باشند؟

نوجوان باید حق انتخاب داشته باشد، اما این به معنای کنار گذاشتن نقش والدین و مربیان نیست. باید میان هدایتگری و مداخله تفاوت قائل شویم. والدین می‌توانند کتاب‌های مختلفی معرفی کنند و نظرشان را بگویند، اما نباید آن را تحمیل کنند. یکی از بهترین روش‌ها، ایجاد فضای گفت‌وگو در خانواده و جدی گرفتن نظر نوجوان است. این گفت‌وگو فرصتی برای پرورش تفکر انتقادی است. نوجوان باید یاد بگیرد برای انتخاب‌هایش استدلال بیاورد، دیدگاه‌های متفاوت را بشنود و مستقلانه فکر کند. البته اگر محتوای کتاب با سن یا شرایط رشدی او تناسب نداشته باشد، والدین باید راهنمایی کنند. هدف این نیست که به جای نوجوان تصمیم بگیریم، بلکه باید به او فکر کردن و مسئولیت‌پذیری در انتخاب را یاد بدهیم.

نغمه مرفه، روانشناس و درمانگر کودک و نوجوان:

کتاب نباید بوی تکلیف بدهد



فاصله گرفتن کودک از کتاب بعضی وقت‌ها از جایی شروع می‌شود که قرار است او را به کتاب خواندن علاقه‌مند کنیم؛ از اصرار برای خواندن چند صفحه، تعیین تکلیف و انتظار برای تمام کردن کتابی که شاید هیچ علاقه‌ای به آن ندارد. در چنین شرایطی، کتاب به جای دریچه‌ای به دنیای خیال و تجربه‌های تازه، به کاری تبدیل می‌شود که کودک ترجیح می‌دهد از آن فرار کند. حال چه عواملی باعث می‌شود بچه‌ها با کتاب ارتباط برقرار نکنند و چگونه می‌توان این رابطه را دوباره شکل داد؟ نغمه مرفه، درمانگر کودک و نوجوان، معتقد است هدف این است که کتاب برای کودک فضایی امن و لذت‌بخش باشد، نه یک وظیفه و اجبار. در این مصاحبه از دلایل بی‌علاقگی کودکان به مطالعه و راه‌های آشتی آنها با کتاب می‌خوانید.

■■■

چرا بعضی کودکان از همان سال‌های اول زندگی به کتاب علاقه‌مند می‌شوند، اما بعضی دیگر حتی حاضر نیستند چند صفحه کتاب بخوانند؟ این تفاوت از کجا شکل می‌گیرد؟

عوامل مختلفی در علاقه کودک به کتابخوانی نقش دارند؛ از فضای عاطفی خانواده و تجربه‌های اولیه با کتاب گرفته تا ویژگی‌های شخصیتی و تفاوت‌های فردی. کودکی که کتاب خواندن والدینش را می‌بیند و با آنها درباره داستان گفت‌وگو می‌کند، کتاب را بخشی طبیعی از زندگی می‌داند. در مقابل، اجبار و مقایسه با دیگران ممکن است او را دلزده کند. همچنین اگر کتاب از ابتدا به وسیله‌ای برای آموزش حروف و اعداد و انجام تکالیف تبدیل شود، کودک آن را با درس و اجبار مرتبط می‌داند. از طرف دیگر، سلیقه کودکان متفاوت است؛ یکی داستان تخیلی دوست دارد و دیگری داستان هیجان‌انگیز. استفاده زیاد از بازی‌های دیجیتال و دشواری در توجه و تمرکز نیز می‌تواند ارتباط کودک با کتاب را کاهش دهد.

آیا ممکن است شیوه برخورد والدین و تبدیل کتاب به تکلیف و اجبار، کودک را از مطالعه دلزده کند؟ چه رفتارهایی ناخواسته این اتفاق را رقم می‌زند؟

بله. گاهی والدین با هدف کتابخوان کردن فرزندشان، کتاب را از فعالیتی لذت‌بخش به تکلیف تبدیل می‌کنند. مثلاً وقتی می‌گویند «هر شب باید پنج صفحه بخوانی و تا تمامش نکرده‌ای اجازه بازی نداری»، کودک فقط برای تمام کردن وظیفه‌اش کتاب می‌خواند. سؤال پیچ کردن کودک درباره داستان، مقایسه با دیگران و ایراد گرفتن مداوم از شیوه خواندنش نیز اضطراب و ترس از اشتباه کردن را افزایش می‌دهد. گاهی والدین از کتاب برای تنبیه و تشویق استفاده می‌کنند یا بدون توجه به علاقه کودک برایش کتاب می‌خرند. بهتر است به سلیقه او احترام بگذاریم تا کتابخوانی برایش تجربه‌ای خوشایند باشد.

از نظر روانشناختی چه تفاوتی میان دو سرگرمی کتاب و تلفن همراه وجود دارد؟

این موضوع را نمی‌توان صرفاً به تنبلی یا بی‌علاقگی کودک نسبت داد. بازی‌های دیجیتال پاداش‌های سریع مانند امتیاز گرفتن و عبور از مراحل دارند که مدارهای پاداش مغز، از جمله مسیرهای مرتبط با دوپامین را فعال می‌کنند، اما لذت کتاب خواندن تدریجی است. در بازی‌ها تصاویر و صداها آماده‌اند، اما هنگام کتاب خواندن کودک باید شخصیت‌ها و اتفاقات را در ذهنش تصور کند و به خاطر بسپارد. همچنین در بازی احساس کنترل و حق انتخاب بیشتری دارد، در حالی که گاهی کتاب انتخاب‌شده از سوی والدین برایش تحمیلی است.

آیا عادت به دیدن فیلم‌ها و محتواهای کوتاه می‌تواند تحمل کودک برای دنبال کردن یک داستان طولانی را کاهش دهد؟ این موضوع چه ارتباطی با توجه و تمرکز دارد؟

تماشای مداوم محتواهای کوتاه و سریع ممکن است تحمل کودک را برای فعالیت‌های نیازمند صبر و پیگیری کاهش دهد. البته علاقه به این محتواها لزوماً به معنای ضعف توجه و تمرکز نیست. در این زمینه سه مهارت اهمیت دارد: توجه پایدار، یعنی تمرکز روی یک فعالیت برای مدتی مشخص؛ توجه انتخابی، یعنی نادیده گرفتن محرک‌های مزاحم و کنترل توجه، یعنی حفظ تمرکز و به پایان رساندن فعالیت. تماشای مداوم محتواهای سریع، به ویژه اگر جایگزین کتابخوانی و بازی‌های خلاقانه شود، فرصت تمرین این مهارت‌ها را کمتر می‌کند. البته شواهد علمی کافی وجود ندارد که تماشای فیلم‌های کوتاه به تنهایی باعث اختلال توجه شود.

چرا بعضی نوجوانان در دوران بلوغ به داستان و رمان علاقه زیادی پیدا می‌کنند؟ آیا کتاب می‌تواند به آنها در شناخت احساسات، تنهایی‌ها و دغدغه‌های این دوره کمک کند؟

بله. داستان و رمان به نوجوان احساس دیده شدن و درک شدن می‌دهد. یکی از پرسش‌های مهم این دوره «من چه کسی هستم؟» است. نوجوان از طریق شخصیت‌های داستان و آشنایی با دغدغه‌ها، ترس‌ها و آرزوهای آنها می‌تواند هویت خود را بهتر بشناسد. داستان همچنین به او کمک می‌کند احساساتی مانند عشق، تنهایی و خشم را درک کند و درباره روابط، تصمیم‌ها و پیامد رفتار شخصیت‌ها بیندیشد. رمان فرصتی فراهم می‌کند تا نوجوان بدون تجربه مستقیم، با موقعیت‌های مختلف زندگی آشنا شود و احساس استقلال بیشتری داشته باشد.

اگر نوجوانی درگیر مسئله‌ای خانوادگی یا عاطفی باشد، آیا ممکن است با خواندن داستانی درباره تجربه مشابه، احساس کند بهتر درک شده است؟ کتاب در این شرایط چه کمکی می‌کند؟

قطعاً. نوجوان گاهی احساساتی مانند غم، خشم و اضطراب را تجربه می‌کند، اما نمی‌تواند آنها را به خوبی بشناسد یا بیان کند. وقتی در داستان با شخصیتی روبه‌رو می‌شود که احساسات مشابهی دارد، متوجه می‌شود تجربه‌اش عجیب و غیرطبیعی نیست. همچنین دیدن شخصیت‌هایی با دغدغه‌های مشابه، احساس تنهایی او را کاهش می‌دهد. داستان به نوجوان فرصت می‌دهد موقعیت‌هایی مانند دوستی، طردشدن و شکست را از نگاه دیگران تجربه کند. این موضوع به شناخت احساسات و رشد همدلی او کمک می‌کند.

اگر فرزندمان از کتابخوانی استقبال نمی‌کند، از کجا باید شروع کرد؟

به نظر من، پیش از تشویق کودک به مطالعه باید علت بی‌علاقگی‌اش را پیدا کنیم. ممکن است تجربه ناخوشایندی از کتابخوانی داشته باشد، کتاب‌ها متناسب با سن و علاقه‌اش نباشند یا در خواندن و یادگیری دشواری داشته باشد. سرگرمی‌های دیجیتال هم می‌توانند بر تمایل او به مطالعه تأثیر بگذارند. بعد از شناخت علت، بهتر است به جای اجبار، کنجکاوی کودک را برانگیزیم و اجازه دهیم کتاب مورد علاقه‌اش را انتخاب کند؛ حتی اگر داستان طنز یا تخیلی باشد. الگوی رفتاری والدین نیز اهمیت زیادی دارد. نمی‌توانیم انتظار داشته باشیم فرزندمان کتابخوان شود، ولی خودمان بیشتر وقتمان را با تلفن همراه می‌گذرانیم و کمتر کتاب می‌خوانیم. بچه‌ها بیش از توصیه‌های ما، رفتارمان را می‌بینند. بهتر است به جای پرسیدن اینکه «چطور فرزندم را کتابخوان کنم؟»، بپرسیم «چه چیزی باعث شده نتواند با کتاب ارتباط برقرار کند؟» هدف این است که کتاب برای کودک فضایی امن و لذت‌بخش باشد، نه یک وظیفه و اجبار.

آیا کتاب صوتی و قصه‌گویی می‌تواند برای کودکی که به مطالعه مستقیم علاقه ندارد، راه ورود به دنیای کتاب باشند؟

بله. شنیدن داستان هم می‌تواند تجربه‌ای لذت‌بخش باشد و به تقویت تخیل، خلاقیت و تصویرسازی ذهنی کودک کمک کند. قصه‌گویی والدین علاوه بر ایجاد ارتباط عاطفی، فرصتی فراهم می‌کند تا کودک درباره شخصیت‌های داستان و حتی نگرانی‌ها و احساسات خودش صحبت کند. بهتر است والدین داستان‌های متناسب با سن و علاقه فرزندشان انتخاب کنند و هنگام قصه‌گویی با تغییر لحن و پرسیدن نظر کودک، او را درگیر داستان کنند. البته کتاب صوتی نباید کاملاً جایگزین کتاب چاپی شود. کودک در کنار شنیدن قصه باید فرصت ورق زدن کتاب، دیدن تصاویر و تجربه تدریجی خواندن را هم داشته باشد.

دکتر بهاره زاددهش، مدرس دانشگاه و متخصص روان‌درمانی:

گرانی را بهانه نخریدن کتاب برای کودکان نکنید

دکتر بهاره زاددهش، مدرس دانشگاه و متخصص روان‌درمانی، معتقد است کتابخوانی در خانواده بیشتر از آنکه یک آموزش کلامی باشد، یک فرهنگ رفتاری است؛ فرهنگی که بچه‌ها قبل از شنیدن درباره آن با آن زندگی می‌کنند، اما چگونه می‌توان کتابخوانی را از یک توصیه تربیتی به عادتی خانوادگی تبدیل کرد و نقش والدین در علاقه‌مندشدن کودکان به مطالعه و راه‌های ایجاد عادت کتابخوانی چیست؟ پاسخ این سؤال‌ها در گفت‌وگو با این کارشناس آمده است.

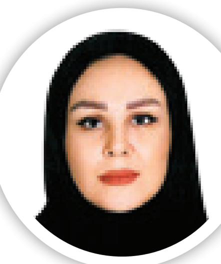
■■■

چرا وقتی والدین خودشان اهل مطالعه نیستند، انتظار کتابخوان شدن فرزندانشان را دارند؟ آیا توصیه آنها بدون الگوبرداری عملی اثرگذار است؟

یکی از تناقض‌های تربیتی این است که از بچه‌ها انتظار داریم کاری را انجام دهند که خودمان به آن پایبند نیستیم. به فرزندمان می‌گوییم کتاب بخوان، اما خودمان در فرصت‌های آزاد سراغ گوشی و تلویزیون می‌رویم. بچه‌ها بیشتر از آنچه تصور می‌کنیم رفتار والدین را زیر نظر دارند. از نظر روانشناختی، یادگیری مشاهده‌ای نقش مهمی در شکل‌گیری رفتار کودکان دارد و بسیاری از عادت‌هایشان را با الگوبرداری از والدین یاد می‌گیرند. البته برای شروع کتابخوانی هیچ‌وقت دیر نیست. والدین می‌توانند همراه فرزندشان مطالعه را آغاز کنند. حتی روزی ۱۰ دقیقه کتاب خواندن در کنار هم از تکرار توصیه‌هایی مثل کتاب بخوان اثرگذارتر است. کتابخوانی در خانواده بیشتر از آنکه آموزش کلامی باشد، یک فرهنگ رفتاری است که بچه‌ها آن را در زندگی تجربه می‌کنند.

کودکی که هر روز پدر و مادرش را در حال استفاده از گوشی می‌بیند، می‌تواند بنا به توصیه آنها گوشی را کنار بگذارد و کتاب بخواند؟

این کودک با تناقض رفتاری روبه‌روست. والدین از او می‌خواهند گوشی را کنار بگذارد، اما خودشان بیشتر وقتشان را با آن می‌گذرانند. طبیعی است که برای کودک این سؤال پیش بیاید اگر استفاده از گوشی بد است، چرا پدر و مادرش اینقدر از آن استفاده می‌کنند؟! بچه‌ها بیشتر از توصیه‌ها به رفتار والدین توجه می‌کنند. البته قرار نیست گوشی کاملاً از زندگی خانواده حذف شود. مسئله اصلی، میزان و نحوه استفاده از آن است. اگر والدین می‌خواهند فرزندشان بخشی از زمان استفاده از گوشی را به کتابخوانی اختصاص دهد، بهتر است خودشان هم همراه او باشند و زمانی را مشخص کنند که همه اعضای خانواده گوشی‌ها را کنار بگذارند و کتاب بخوانند.



> **کتابخوانی را نباید به توان اقتصادی خانواده گره بزنیم. ناتوانی در خرید مرتب کتاب نباید فرزند را از تجربه مطالعه محروم کند. کتابخانه‌های عمومی فرصت خوبی برای این خانواده‌ها هستند. والدین می‌توانند فرزندشان را از کودکی به کتابخانه ببرند تا انتخاب، امانت گرفتن و بازگرداندن کتاب را یاد بگیرد**



آیا تنها خرید کتاب برای فرزند، بدون اینکه والدین زمانی برای مطالعه یا گفت‌وگو درباره کتاب اختصاص دهند، می‌تواند عادت کتابخوانی ایجاد کند؟

خرید کتاب قدم خوبی است، اما کافی نیست. کودک برای برقراری ارتباط با کتاب به تجربه‌ای خوشایند و همراهی والدین نیاز دارد. وقتی پدر و مادر درباره داستان با فرزندشان صحبت می‌کنند یا از او می‌پرسند کدام شخصیت را بیشتر دوست داشته، مطالعه از یک تکلیف به تجربه‌ای لذت‌بخش تبدیل می‌شود. نباید کتابخوانی را به اجبار یا وسیله‌ای برای ارزیابی هوش کودک تبدیل کنیم. بهتر است به علایق او احترام بگذاریم و در انتخاب کتاب به او حق انتخاب بدهیم. گاهی یک گفت‌وگوی چند دقیقه‌ای درباره داستانی که کودک خوانده است از خرید چندین کتاب تأثیر بیشتری دارد، چون احساس می‌کند علایق و دنیای ذهنی‌اش برای والدین اهمیت دارد.

والدین چطور می‌توانند مطالعه مشترک را وارد برنامه روزانه فرزند کنند، بدون اینکه این کار به اجبار و تنش تبدیل شود؟

آنها باید پیش از وارد کردن کتاب به برنامه روزانه، در شیوه گذراندن اوقات فراغتشان بازنگری کنند. بهتر است تغییر با یک قرار کوچک شروع شود. مثلاً هر شب ۱۰ تا ۱۵ دقیقه هرکدام کتاب موردعلاقه خود را بخوانند. این زمان باید برای خانواده لذت‌بخش باشد، نه یک وظیفه اجباری. والدین هم باید در این تجربه مشارکت کنند، نه اینکه فقط نقش ناظر و کنترل‌کننده داشته باشند. همچنین نباید انتظار داشت کودکی که به استفاده مداوم از گوشی عادت کرده، یک‌شبه به کتابخوانی علاقه‌مند شود. شکل‌گیری عادت به زمان، تکرار و تجربه خوشایند نیاز دارد.

بعضی از والدین برای کلاس‌های آموزشی و تفریحی فرزندانشان هزینه می‌کنند، اما خرید کتاب را هزینه‌ای غیرضروری می‌دانند. چرا کتاب در اولویت هزینه‌های خانوادگی قرار نمی‌گیرد؟

بخشی از این مسئله به نگاه خانواده‌ها به سرمایه‌گذاری برای آینده فرزندشان برمی‌گردد. والدین معمولاً هزینه کلاس زبان، موسیقی یا ورزش را می‌پذیرند، چون نتیجه آن را ملموس‌تر می‌بینند، اما آثار کتابخوانی تدریجی و بلندمدت است و کمتر به چشم می‌آید، در حالی که کتاب به گسترش دایره واژگان، تقویت تخیل، قدرت تحلیل و تفکر انتقادی کودک کمک می‌کند. همچنین با آشنا کردن او با احساسات، تعارض‌ها و انتخاب‌های دیگران، در رشد عاطفی و اجتماعی‌اش نقش دارد. البته کتاب نباید به کالایی لوکس تبدیل شود. خانواده‌ها می‌توانند از کتابخانه‌های عمومی و کتاب‌های دست دوم هم استفاده کنند. بهتر است به جای هزینه کردن صرف برای پرکردن برنامه فرزندان، برای ساختن دنیای ذهنی آنها سرمایه‌گذاری کنیم؛ آن هم یک سرمایه‌گذاری که آثارش تا پایان عمر باقی بماند.

با توجه به نکته‌ای که اشاره کردید، برای خانواده‌ای که توان خرید مداوم کتاب را ندارد، کتابخانه عمومی و تبادل کتاب می‌توانند جایگزین مناسبی باشند؟

بله. همانطور که اشاره شد، کتابخوانی را نباید به توان اقتصادی خانواده گره بزنیم. ناتوانی در خرید مرتب کتاب نباید فرزند را از تجربه مطالعه محروم کند. کتابخانه‌های عمومی فرصت خوبی برای این خانواده‌ها هستند. والدین می‌توانند فرزندشان را از کودکی به کتابخانه ببرند تا انتخاب، امانت گرفتن و بازگرداندن کتاب را یاد بگیرد. اتفاقاً این کار حس مسئولیت‌پذیری و استقلال او را هم تقویت می‌کند. تبادل کتاب میان خانواده‌ها، دوستان و همکلاسی‌ها و استفاده از کتاب‌های دست دوم، الکترونیکی و صوتی متناسب با سن کودک نیز راه‌های دیگری برای دسترسی به کتاب هستند. مهم این است که کودک کتاب را فقط وسیله‌ای آموزشی یا تکلیف مدرسه نداند و فرصت داشته باشد کتاب مورد علاقه‌اش را انتخاب کند. گاهی یک کتاب خوب، یک بزرگسال همراه و فضایی برای گفت‌وگو درباره کتاب، نقطه شروع یک رابطه مداوم با مطالعه است.

اگر فرزندمان به جای کتاب‌هایی که ما انتخاب کرده‌ایم، کتاب‌های دیگری را دوست داشته باشد، چقدر باید در انتخاب او دخالت کنیم؟

تا جایی که امکان دارد باید به سلیقه فرزندمان احترام بگذاریم. گاهی والدین تصور می‌کنند فقط کتاب‌هایی ارزش خواندن دارند که خودشان انتخاب کرده‌اند یا محتوای آموزشی بالایی دارند، در حالی که هدف اولیه باید ایجاد علاقه به مطالعه باشد، نه کنترل سلیقه کودک. ممکن است کودکی به داستان‌های تخیلی، ماجراجویی یا کتاب‌های مصور علاقه داشته باشد. همین علاقه می‌تواند نقطه شروع ارتباط عمیق‌تر او با کتاب باشد. البته والدین باید متناسب با سن فرزندشان محتوای کتاب را بررسی کنند، اما این موضوع با تحمیل سلیقه تفاوت دارد. بهتر است به جای تعیین کتاب برای فرزندمان، کمک کنیم به کتابخوانی علاقه‌مند شود تا خودش به تدریج سراغ موضوعات متنوع‌تر برود.